



الأمثالُ والحِكْمُ

الْمَثَلُ حَيْرٌ وَسِيلَةٌ لِيَبَانَ مَا فِي الضَّمِيرِ
بِصُورَةٍ مُوجِزَةٍ وَ نَافِذَةٍ* فَاسْتِخْدَامُ الْأَمْثَالِ
أُسْلُوبٌ قُرْآنِيٌّ جَمِيلٌ نَجِدُهُ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْآيَاتِ،
أَوْ ضَمَّنَ قِصَصٌ مُتَنَوِّعَةٍ.

إِنَّ الْأَمْثَالَ تُشَكِّلُ جُزْءًا مِّنْ ثِقَافَةِ الْأُمَّةِ وَ حَضَارَتِهَا وَ تَتَّبَعُ* مِّنْ حَيَاةِ الْمُجْتَمَعَاتِ
الْبَشَرِيَّةِ طَوَّلَ تَارِيخِهَا.

تُسْتَعْدَمُ الْأَمْثَالُ احْتِرَازًا* مِنَ الْإِطْنَابِ. فَهِيَ تُبَيِّنُ الْمَوَاضِعَ بِصُورَةٍ وَاضِحَةٍ
وَلَكِنَ عَلَى سَبِيلِ التَّعْرِيزِ* وَ الْكِنَايَةِ. هُنَاكَ عِبَارَاتٌ مَنْشُورَةٌ وَ مَنْظُومَةٌ أَصْبَحَتْ
أَمْثَالًا وَ حِكْمًا لِكَثْرَةِ اسْتِعْمَالِهَا فِي الْأَدَبِ الْعَرَبِيِّ وَ دَخَلَتْ الْأَدَبَ الْفَارِسِيَّ بِسَبَبِ
الْإِشْتِرَاكِ الثَّقَافِيِّ بَيْنَ اللُّغَتَيْنِ، نُشِيرُ إِلَى نَمَازِجَ مِنْهَا:

– أَلْجَارَ تَمَّ الدَّارَ.

– كَلَّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

– لَا يُلْدَعُ* الْمُؤْمِنُ مِنْ جُحْرٍ مَّرَّتَيْنِ.

– الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ.

– السَّلَامَ قَبْلَ الْكَلَامِ.

- مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَ اللَّهُ لَهُ.
- النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ.
- مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ.
- الْكَلَامُ يَجْرُ الْكَلَامَ.
- ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾*
- أَطْلُبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ* إِلَى اللَّحْدِ.
- النَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ.
- اتَّقُوا مَوَاضِعَ الشُّهْمِ.
- ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾*
- ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا﴾*
- ﴿وَالْكَاطِمِينَ* الْغَيْظِ﴾*
- ﴿لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾*
- ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾*
- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾*
- الْكَرِيمُ إِذَا وَعَدَ، وَفَى.
- الْمَسْئُولُ حَرٌّ حَتَّى يَعِدَ.
- لَا يَقَعُ فِي السُّوءِ إِلَّا فَاعِلُهُ.
- عِظْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ يَعِظَكَ الدَّهْرُ.

١- بخشی از آیه ١٣٤ سوره مبارکه آل عمران است که می فرماید: ﴿وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ

الْمِثَال

در مجموعه های زیر، حروف اصلی هر فعل را مشخص نمایید و در جای تعیین شده

بنویسید :

نَزَلَ	قَرَأَ	نَصَرْتُمْ	◀ ماضی
يُنزِلْنَ	تَقْرَأُ	يُنصُرُونَ	◀ مضارع
نَزَلُوا	اقْرَأُوا	انصُرُوا	◀ امر
□ □ □	□ □ □	□ □ □	

آیا به راحتی توانستید حروف اصلی فعل ها را به دست آورید؟

حروف اصلی هر فعل، در صیغه های مختلف آن ثابت و یکسان است.

نتیجه :

اکنون سعی کنید در مجموعه های زیر، حروف اصلی هر فعل را مشخص نمایید و

در جای تعیین شده بنویسید :

هَدَى	قَالَ	وَعَدَ
يَهْدِي	يَقُولُ	يَعِدُ
اهْدِ	قُلْ	عِدْ
□ □ □	□ □ □	□ □ □

– آیا این بار هم توانستید به راحتی حروف اصلی فعل ها را مشخص کنید؟

– با چه مشکلی مواجه شدید و چه نتیجه ای گرفتید؟

سؤال :

حروف اصلی این فعل ها، ظاهراً در صیغه های مختلف ثابت و یکسان نیست.

نتیجه :

حروف اصلی فعل های فوق به ترتیب «وع د»، «ق ول» و «هد د ی» است.

اما چرا این حروف، در صیغه های ماضی، مضارع و امر با تغییراتی همراه بوده است؟

باید دانست که :

در میان ۲۹ حرف الفبای عربی، سه حرف «الف»، «واو» و «باء» در صیغه‌های مختلف، حالت ثابتی ندارند. لذا آن‌ها را «حروف عله» می‌نامند.

اهمیت سه حرف «واو»، «الف» و «باء» به اندازه‌ای است که فعل‌ها را بر اساس داشتن یا نداشتن آن‌ها، به دو گروه، تقسیم نموده‌اند :

۲

«فعل صحیح»
 فعلی است که در حروف اصلی آن،
 حرف عله نباشد.
 مانند :
 نَصَرَ، قَرَأَ، نَزَّلَ

۱

«فعل مُعتَلّ»
 فعلی است که در حروف اصلی آن،
 حرف عله باشد.
 مانند :
 وَعَدَ، قَالَ، هَدَى

للتَّدریب : عینِ المَعْتَلِّ و الصَّحیح : «إصبروا، وَعَدْنَا، قاموا، یَمْلِکَانِ، تَلُّو»

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾
 ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ﴾
 ﴿لَمْ يَلِدْ و لَمْ يُولَدْ﴾
 ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ﴾
 ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكْذِبُ بِالذِّينِ﴾
 ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ و إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾
 ﴿إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾

در زبان عربی تعداد فعل‌های معتل اندک نیست. به چند نمونه از آیات قرآن کریم توجه کنیم :

بنابراین شایسته است با توجه به استفاده فراوان این فعل‌ها با تغییرات آن‌ها آشنا شویم.

«انواع فعل معتل»

«فاء الفعل» آن حرف عله است. مانند : وَهَبَ، وَرِثَ، يَقِنَ، يُسْرَرُ	مثال	انواع فعل معتل
«عين الفعل» آن حرف عله است. مانند : عَادَ، قَالَ، جَاءَ، زَادَ	اجوف	
«لام الفعل» آن حرف عله است. مانند : دَعَا، تَلَا، هَدَى، رَأَى	ناقص	

فعل معتل در صیغه های مختلف با تغییراتی همراه است.
اما آیا نباید این تغییرات، دارای قاعده مخصوصی باشند؟

به یک مثال توجه کنید :

اگر روزی دچار دندان درد شدیدی شویم، می توانیم یکی از روش های زیر را به کار ببریم :



«کشیدن و بیرون آوردن دندان موردنظر»



«ترمیم دندان نزد دندانپزشک»



«تسکین درد با دارو»

حرف عله را نیز می توان به یک عضو بیمار، تشبیه کرد که وقتی در فعلی قرار گرفت،

باید به نحوی آن را معالجه نمود.

«حذف حرف عله»
الإعلال بالحذف

«تبدیل حرف عله به حرفی مناسب»
الإعلال بالقلب

«ساکن نمودن حرف عله»
الإعلال بالإسكان

إِهْدِي

إِهْدِي

قَوْلَ

قَالَ

يَهْدِي

يَهْدِي

به روش هایی که برای ایجاد سهولت، در صرف فعل معتل و درمان حروف عله به کار

می روند «قواعد اعلال» گفته می شود، که در این کتاب به صورت بسیار خلاصه و مجمل

به آن ها می پردازیم.

۱- حرف عله «الف» از تغییر «واو» و «باء» به دست می آید بنابراین هرگاه حرف عله، «الف» (ی، ا) باشد، اعلال

قلب صورت گرفته است مانند : قال (قول)، باع (بیع)، دعا (دعو)، هَدَى (هدى)، أقام (أقوم) و...

بعد از شناختن حروف عله ، فعل معتل و إعلال ، اکنون به صرف فعل های معتل توجه کنیم :

﴿وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ﴾ خداوند به مردان و زنان مؤمن، بهشت های را وعده داد
 ﴿وَاللَّهُ بِعِدَّتِكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضلاً﴾ و خداوند شما را به آمرزش خویش و فزونی نوید می دهد

- ۱- فعل های «وَعَدَ» و «يَعِدُ» چه نوع معتلی هستند؟
 - ۲- حروف اصلی آن ها چیست؟
 - ۳- آیا در فعل «يَعِدُ» تغییری برای حرف عله رخ داده است؟
- در جدول زیر، صرف فعل مثال «وَعَدَ» در کنار فعل صحیح «جَلَسَ» قرار گرفته؛ آن ها را با هم مقایسه کنید :

«جَلَسَ»			«وَعَدَ»			
الأمر	المضارع	الماضي	الأمر	المضارع	الماضي	الصيغة
	يَجْلِسُ	جَلَسَ		يَعِدُ	وَعَدَ	لِلغائب
	تَجْلِسُ	جَلَسَتْ		تَعِدُ	وَعَدَتْ	لِلغائبة
	يَجْلِسَانِ	جَلَسَا		يَعِدَانِ	وَعَدَا	لِلغائبين
	تَجْلِسَانِ	جَلَسَتَا		تَعِدَانِ	وَعَدَتَا	لِلغائبتين
	يَجْلِسُونَ	جَلَسُوا		يَعِدُونَ	وَعَدُوا	لِلغائبين
	يَجْلِسْنَ	جَلَسْنَ		يَعِدْنَ	وَعَدْنَ	لِلغائبات
	إِجْلِسْ	جَلَسْتَ	عِدْ	تَعِدْ	وَعَدْتَ	لِلمخاطب
	إِجْلِسِي	جَلَسْتِ	عِدِي	تَعِدِينِ	وَعَدْتِ	لِلمخاطبة
	إِجْلِسَا	جَلَسْتُمَا	عِدَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتُمَا	لِلمخاطبين
	إِجْلِسَا	جَلَسْتُمَا	عِدَا	تَعِدَانِ	وَعَدْتُمَا	لِلمخاطبتين
	إِجْلِسُوا	جَلَسْتُمْ	عِدُوا	تَعِدُونَ	وَعَدْتُمْ	لِلمخاطبين
	إِجْلِسْنَ	جَلَسْتُنَّ	عِدْنَ	تَعِدْنَ	وَعَدْتُنَّ	لِلمخاطبات
	أَجْلِسْ	جَلَسْتُ		أَعِدْ	وَعَدْتُ	لِلمتكلم وحده
	نَجْلِسْ	جَلَسْنَا		نَعِدْ	وَعَدْنَا	لِلمتكلم مع الغير

تکرار و تمرین، شما را در صرف فعل های معتل ورزیده می کند.

نتیجه :

با دقت در صرف فعل مثال «وَعَدَ»، ستون «الف» را با استفاده از عبارت‌های ستون «ب» کامل کنید :

(ب)

(الف)

حرف عله در تمام صیغه‌ها حذف می‌شود.

فعل ماضی :

مانند فعل صحیح صرف می‌شود.

فعل مضارع معلوم :

حرف عله در تمام صیغه‌ها حذف می‌شود.

فعل امر مخاطب :

للتدريب

إملاً الفِراغاتِ على حسبِ ما تعلّمتَ :

الماضي	المضارع	الأمر «للمخاطب»
وَجَدَ
وَقَفَ
وَصَلَ

به فعل «وجد» در باب افعال توجه کنید :

مصدر	أمر	مضارع	ماضی
...	أوجِدْ	يُوجِدُ	أوجَدَ

در ماضی و مضارع و امر تغییری در حرف عله صورت نگرفته است، اما مصدر آن کدام است؟

الف) ايجاد ب) ایجاد

باید دانست که در مصدر باب افعال از فعل مثال، «واو» به «یاء» تبدیل

می‌شود.

للتدريب

فعل	وَرَدَ	وَجَرَ
افعال

اُكْتُبِ الْمَصَادِرَ :

- ۱- فعل از ارکان جمله است. هنگام ترجمه به زمان و صیغه آن توجه کنیم.
- ۲- هنگام ترجمه فعل، لازم یا متعدی بودن آن را مورد توجه قرار دهیم.
- ۳- شناخت و دقت روی برخی مسائل که مختص اسم می باشد، از قبیل: مفرد، مثنی، جمع بودن، نوع مشتق، معرفه و نکره بودن و... برای ترجمه صحیح ضروری است.
- ۴- دقت کنیم که هر فعل، فاعل یا نائب فاعلی دارد. هنگام ترجمه، آن ها را درست تشخیص دهیم.

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سوالات، آن را ترجمه کنید :

قال البلبل للصقر: أنا أنعجب من حالي و حالِكَ. أنت مكرّم و محبوب عند الناس. يحملك الأشراف على أيدهم مع أنك لا تنطق. و أنا محبوسٌ مُحْتَفَرٌ مع أنني ناطقٌ مُعَرِّدٌ. قال الصقر: إنهم يكرموني لأنني أصيد لهم ولا أتكلّم. فأنا أعمل ولا أتكلّم ولكنك تُعَرِّد ولا تعمل عملاً. فأنت تقول ولا تعمل.

أَسْئَلَةٌ :

۱- عيّن الصّحيح في معنى الكلمات :

- «صَقْرٌ»: ○ گنجشک ○ کبوتر ○ باز شکاری
- «مُحْتَفَرٌ»: ○ تحقیر شده ○ تحقیر کننده ○ کوچک و صغیر
- «مُعَرِّدٌ»: ○ آوازه خوان ○ مغرور ○ آواز پرنده

۲- عيّن العنوان المناسب للنص: صَيْدُ الصَّقْرِ ○ الْقَوْلُ وَالْعَمَلُ ○ كِرَامِ النَّاسِ ○

۳- ما هو القصد من النص؟ ذمُّ النُّطْقِ ○ تعريِدُ البلبل ○ مدحُ العملِ ○



التدريب الأول

عَيِّن الأفعال المعتلَّة واجعلها في الجدول :

- ١- ﴿إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾
- ٢- اللَّهُمَّ ﴿هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾
- ٣- ﴿وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

◀ الفعل المعتلّ

◀ الحروف الأصليّة

◀ نوع المعتلّ



التدريب الثاني

إملا الفراع بالصيغة المناسبة :

- ١- ﴿و... المُوازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾ «يَضَعُ» للمتكلّم مع الغير
- ٢- ﴿فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا...﴾ «يَصِفُ» للغائبين
- ٣- ﴿الَّذِينَ... الْفِرْدَوْسِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ «يَرِثُ» للغائبين
- ٤- ﴿وَلَنْ... لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾ «يَجِدُ» للمخاطب



التدريب الثالث

ضع الصيغة المناسبة :

- ١- ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ... بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

المضارع من «وقع» في باب إفعال

٢- ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ... نَا الْأَرْضِ﴾

الماضي من «ورث» في باب إفعال

التمرين الرابع

اجعل الفعل المضارع بصيغة الأمر:

- ١- أَتَنْتِ تَقْفَنَ فِي الصَّلَاةِ بِخُشُوعٍ.
- ٢- أَنْتِ تَهَبُ الْمُسْكِينَ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.
- ٣- أَنْتُمْ تَعْدُونَ إِخْوَانَكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا.

التمرين الخامس

عَيِّنِ الرُّادِفَ وَ الْمُضَادَّ : (=, ≠)

نَعَمْ □ بِشَس	العُسْر □ اليُسْر	الدار □ البيت	الموجز □ المفصل
شاء □ أراد	العداوة □ الصداقة	وهب □ منح	وقع □ سقط

مقدمه

زبان واسطه ظهور پیام‌های الهی است در مطالعات زبان‌شناسی، گاهی ساختارهای دستوری و شکل‌های ظاهری زبان را مدّ نظر قرار می‌دهیم و گاه دلالت‌ها و معانی پنهان را در سال‌های پیش تلاش ما مصروف شناخت ساختارهای ظاهری و قواعد دستوری بود حال در این صفحات سعی خواهیم کرد نگاهی به جنبه‌های معنایی و مدلولات پنهانی کلام وحی بیفکنیم

فصاحت و بلاغت

شناخت فصاحت و بلاغت کلام، معیار زیباشناختی

کلام وحی است.

تشخیص فاعل و مفعول و مبتدا و خبر و ... در حقیقت شناخت ظاهر جملات است.

در ورای جملات یک متن ادبی اعجاز‌آمیز چون قرآن کریم، معانی و مفاهیم شگرفی نهفته است.

سخنی را «بلیغ» به‌شمار می‌آوریم که علاوه بر «فصاحت» کلمات و زیبایی مفردات، مطابق «مقتضای حال» باشد.

بلاغت حکم می‌کند که سخن گفتن با مخاطبی که نسبت به پیام ما موضعی خاص ندارد، با زمانی که تردید و یا انکار را در وجود مخاطب احساس کنیم تفاوت کند. و این همان رعایت مقتضای حال است که گفته‌اند: «لِکُلِّ مَقَامٍ مَقَالٌ».

بلاغت حکم می‌کند که معانی را بسنجیم و توانایی مستمعان را مدّ نظر قرار دهیم و حالات آن‌ها را فراموش نکنیم و با رعایت همه این شرایط، سخن مناسبی را بر زبان برانیم. و این‌ها همه در کلام الهی به نحو اکمل و اتمّ گرد آمده است. و ما در این صفحات برآنیم که گوشه‌ای از این ظرایف را بنمایانیم و گامی برای فهم و درک بهتر کلام وحی برداریم.